

بگیر و ببند اثر ندارد، جمهوری اسلامی باید برود!

شد و در ۲۱ سال گذشته نیز بقای هر روزه خود را با زور و سرکوب و کشتار و اعدام و اجرای قوانین ضد بشری اسلامی و قصاص و سنگسار و غیره بر مردم ایران، حفظ کرده است. تمام تهدیدهای سابق هر روزه خمینی و اکنون تهدیدات دیگر سران این رژیم علیه توده کارگر و زنان و نیروهای چپ و کمونیست و دیگر مردم آزادیخواه ایران بوده

صفحه ۲

در واقع نیز جمهوری اسلامی دشمنی جز مردم آزادیخواه و توده میلیونی کارگر و زنان آزاده و جوانان مدرن و سکولار ایران نداشته است. جریان مذهبی خمینی و کلیت جمهوری اسلامی نیز در اساس برای سرکوب و خفه کردن انقلاب این مردم بسته بندی شد و در سال ۵۷ به بازار عرضه شد. این رژیم با کشتار و سرکوب این مردم و نیروهای چپ و کمونیست و رادیکال تثبیت

ببند رژیم اسلامی تاکید کرد. وی کلیه ارگانهای سرکوب و اختناق جمهوری اسلامی، دولت، قوه قضائیه، نمایندگان مجلس اسلامی را به اقدام علیه "دشمن" (مردم ایران) و علیه موج تهاجم سیاسی و فرهنگی ضد مذهبی و ضد اسلام سیاسی این مردم که جمهوری اسلامی را بطرف اضمحلال سوق میدهد، فراخواند.

در ادامه صحبت‌های عزیززاده رئیس کل دادگستری استان تهران در مصاحبه با خبرنگاران که بدنبال آن موجی از بگیر و ببند و اعدام و قطع انگشتان و محکوم کردن به سنگسار و حمله به مجالس اختلاط زن و مرد براه انداخته شد، خامنه ای این سردرسته اوباش اسلامی نیز سه شنبه ۹ ژانویه در سخنانی در قم به رجزخوانی علیه مردم ایران پرداخت و بر ادامه بگیر و

ارتش ترکیه
باید فوراً
کردستان عراق
را ترک کند
صفحه ۳

حزب دمکرات
و زندانی سیاسی
صفحه ۳

جنگ پ ک ک
و اتحادیه میهنی
صفحه ۴

راديو انترناسيونال

هر شب
۹ تا ۹ و ۴۵ دقیقه
بوقت تهران
۴۱ متر برابر با
۷۵۲۰ کیلوهرتز
تلفن:

۰۰۴۴ ۷۷۱ ۴۶۱ ۱۰۹۹
مرکز اطلاعات و پیامگیر
۰۰۴۴ ۲۰۸ ۹۶۲ ۲۷۰۷

ایسکرا

سر دبیر: حسین مرادیگی

تلفن:

۰۰۴۶ ۷۰ ۷۷۷ ۸۰۹۸

آدرس:

K.F.K.S
Box 15203
104 65 Stockholm

پست گيرو ۲_۱۶۷۸۴۷۱

اعتراضات کارگران در شهر سنندج ادامه دارد

حکم قطعی اخراج گرفته اند. کارگران اخراج شده به حکم اعلام شده معترضند.

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران همه کارگران را به تشکل و اتحاد و برپائی اعتراض دسته جمعی برای احقاق حق خود فرا میخواند. تشکل مجامع عمومی برای تضمین اتحاد و سازماندهی اعتراضات یک ضرورت فوری است. ما همچنین از همه مردم آزادیخواه میخواهیم که از اعتراضات و مبارزات کارگران برای بازگشت به کار، پرداخت حقوق معوقه و افزایش دستمزدها با تمام توان حمایت کنند.

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری

ایران ۲۱ دی ۱۳۷۹

۱۰ ژانویه ۲۰۰۱

امکانات و وسایل کار پافشاری میکنند، تا کار را شروع کرده و به بهانه‌های کارفرمایان پایان دهند و بتوانند دستمزد و مزایای خود را دریافت دارند. قبلاً قرار شد که حقوق ۳ ماه به تعویق افتاده آنها را پرداخت کنند که تا هم اکنون دستمزد ۴۰ روز را دریافت کرده اند، اعتراض آنها برای گرفتن بقیه دستمزدهای معوقه ادامه دارد.

* قبلاً به اطلاع رساندیم ۲۵ نفر از کارگران کارخانه شاهو حکم اخراج گرفتند. کارگران این کارخانه دست به اعتصاب سه روزه‌ای زدند و خواستار بازگشت به کار همکارانشان شدند. در آن موقع اخراج کارگران معلق ماند. اخیراً از طرف مدیریت کارخانه اعلام شده که ۱۰ نفر از آنها بازخرید شده و ۱۵ نفر بقیه

در یکماهه اخیر اعتراضات کارگری متعددی برای گرفتن دستمزدهای معوقه و مقابله با بیکارسازیها در چند مرکز کارگری شهر سنندج به وقوع پیوست. در ادامه این اعتراضات و به دلیل اینکه ۴۰ نفر از کارگران شهرداری منطقه ۱ شهر سنندج ۳ ماه حقوق دریافت نکرده بودند. شنبه گذشته به تاریخ ۱۷ دی ماه این بخش از کارگران تجمع نموده و به این شرایط اعتراض کردند که بلافاصله از طرف شهرداری به آنها گفته شد که حقوق سه ماهه شان را پرداخت خواهند کرد.

* کارگران اخراج شده جهاد نصر بعد از اعتراضات متعدد قول گرفتند که به سر کار برگردند. کارگران اخراجی مدتیست به محل کار میروند اما هنوز امکانات کار وجود ندارد. هم اکنون کارگران بر تامین

توحش

رژیم اسلامی در لحظات مرگ

بدنبال تصمیم جنایتکاران اسلامی حاکم در ایران برای پراه انداختن موج آدمکشی و اعدام در ملا عام و صدور احکام سنگسار و تعرض به مراسم و میهمانی‌های خصوصی مردم، و تلاش رژیم برای حاکم کردن فضای اختناق و ارباب بر مردم ایران، تشکیلات حزب کمونیست کارگری ایران در خارج کشور همراه با فعالین کمپین بین‌المللی دفاع از حقوق زنان و فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی، کمپین گسترده‌ای را در کشورهای اروپائی و

صفحه ۲

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

بگیر و ببند اثر ندارد...

است و جمهوری اسلامی ۲۱ سال از عمر ننگین خود را با سرکوب مداوم و تحمیل مصائب و فجایع بیشمار بر مردم ایران، گذرانده است. اما اکنون به یمن تلاش و مبارزه خستگی ناپذیر توده کارگر و مردم آزادیخواه و بویژه نسل جوان در سراسر ایران، ورق برگشته است و این دستگاه جهانی مدتهاست با مبارزه و درگیری شبانه رزی مردم با آن، ترک برداشته است. به قول سران اوپاش رژیم، تهاجم سیاسی و فرهنگی این مردم آن را در بحرانی عمیق که از "خلقت آدم" تاکنون سابقه نداشته، انداخته است. اکنون

تناسب قوا میان مردم و جمهوری به نفع این مردم و بضر جمهوری اسلامی تغییر کرده است. به این دلیل سران ریز و درشت رژیم از هر دو جناح به تلاش افتاده اند تا کشتی جمهوری اسلامی را که دارد توسط این مردم غرق میشود نجات دهند.

با شکست پروژه دوم خرداد بعد از ۳ سال و چند ماه، پروژه ای که در اساس برای نجات جمهوری اسلامی از فروپاشی و اصمحلل کامل شکل گرفت، ثابت شد که جمهوری اسلامی از درون قابل اصلاح نیست. سران

این پروژه نیز در برابر حکم "رهبر" سیاست "آرامش فعال"، بزبان آخوندی یعنی خرناس کشیدن را در پیش گرفتند. تجزیه افشار پائین این پروژه آغاز شد، حرکتهای دانشجویی کم کم از زیر بار سلطه دوم خردادیها و مذهبیون سابق در آمده و دانشجویان چپ و رادیکال دارند جنبش دانشجویی را هدایت میکنند، مردم از دوم خرداد و خاتمی عملاً عبور کرده اند و مبارزه و اعتراض خود را علیه جمهوری اسلامی ادامه میدهند. مردم با عبور از جریان دوم خرداد نشان دادند

توحش رژیم اسلامی..

آمریکا و کانادا به راه انداختند. در چندین شهر دفاتر احزاب حاکم به اشغال درآمدند، تظاهرات و آکسیون راه افتاد و تماس با فعالین جنبشهای دفاع از حقوق زنان و مدافعین حرمت و شان انسان، به منظور جلب حمایت آنها در اعتراض به حکومت یک مشت قاتل اسلامی فعالانه ادامه دارد. نشان دادن چهره کثیف اراذل و اوپاش اسلامی که جنون آدمکشی دارند، به افکار عمومی مردم کشورهای غربی برای تحت فشار دادن حکومتها که دست از راست روی و مماشات با باند اسلامی حاکم بر ایران بردارند، بخشی از این کمپین است. حزب کمونیست کارگری، درکنار مردم ایران و با جلب حمایت نیروی عظیم آزادیخواهی و انساندوستی مردم جهان، به مبارزه خود برای به زیر کشیدن حکومت جانوران اسلامی در ایران، با قاطعیت ادامه خواهد داد.

در اینجا یکی از آخرین اطلاعیه‌های تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران را میخوانید:

اطلاعیه شماره ۱۰ جمهوری اسلامی

با وقاحت کامل

یک جوان ۲۱

ساله را در ملاء

عام کشت!

به این جنایات

وحشیانه

اعتراض

کنید!

امروز ۱۰ ژانویه

خیابانهای شهر ری تهران شاهد به دار آویخته شدن یک جوان ۲۱ ساله بود. قبل از این مراسم دردناک یکی از جلادان کثیف اسلامی، رئیس دادگستری رژیم خون و جنایت در وصف کشتار جوانان و بویژه جوانانی که مثل حمید حیدری با حمله به بسیجیان این بازوی سرکوب حکومت اسلامی، به پایه های رژیم حمله برده اند، سخن گفت. سپس در میان اشک و درد فراوان حاضرین، این جوان ۲۱ ساله را کشتند. این اتفاق در اولین ماه از سال ۲۰۰۱ میلادی اتفاق می افتد. و خبرش را هر کسی در این جهان پهناور بشنود، اگر وجدانی داشته باشد، اشک میریزد و به حاکمان کثیف اسلامی تف می اندازد.

این کابوس نیست، واقعیتی است که در ایران تحت حاکمیت جمهوری اسلامی اتفاق افتاده و متأسفانه در یک هفته اخیر سومین مورد از این نوع است. ما به همه نمایندگان پارلمانهای اروپایی، به سیاستمدارانی که زمان میخرند و به درخواستهای مکرر مردم معترض برای محکوم کردن جمهوری اسلامی و اعلام موضع و اعمال فشار برای جلوگیری از کشتن و اعدام و سنگسار که خبرش در یک هفته گذشته وسیعاً پخش شده، تا کنون وقعی ننهادند، اعلام میکنیم که سکوت در مقابل این جنایات وحشیانه قابل چشم پوشی نیست. این سکوت آشکار، در عمل به معنی این است که اگر امروز و یا فردا زنان حکم سنگسار این زنان را در خیابانهای تهران و کرج اجرا کنند، اگر جوانان بیشتری را به رقص مرگ در خیابانها محکوم میکنند، اگر چوبه های دار بیشتری را برای ادامه حیات ننگینشان برپا کنند، این بار دستهای شما نیز منزّه نخواهد بود. شعبده بازی

ما خشم و اعتراض خودمان را بار دیگر علیه دولتهای غربی اعلام میکنیم و به آنها اطمینان میدهم که سیاستهای دست راستی آنها در حمایت از جمهوری جنایت اسلامی و علیه مردم ایران موجب تنفر عمیق مردم آزادیخواه علیه این دول نیز خواهد شد.

تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران ۱۱ ژانویه ۲۰۰۱

اسامی رفقای که برای تکثیر ایسکرا کمک مالی کرده اند:

- ۱- یوسف و اسمعیل رسولی ۳۰۰ کرون
- ۲- نازدار ۱۵۰ کرون
- ۳- مجیدحسینی ۱۰۰ کرون
- ۴- لانه و عبدالله دارابی ۲۰۰ کرون
- ۵- گلپاغ و خالد ۱۰۰ کرون
- ۶- میرزاکریم ۳۰۰ کرون

دست مذهب

از زندگی

مردم کوتاه!

نیروی نظامی دولت ترکیه باید فوراً کردستان عراق را ترک کند!

حسین مرادیگی (حمه سور)

رژیم بعث را بگیرد و یا به دخالت نظامی رژیم اسلامی ایران و دولت ترکیه در کردستان عراق اخطار کند. آنها در خدمت نیروی نظامی این دولتها قرار دارند و به آنان علیه آزادی و منافع مردم کردستان سرویس میدهند. کوتاه شدن دست نیروهای نظامی احزاب ناسیونالیست کرد، پارتی و اتحادیه میهنی و پ.ک. ک و .. از محل کار و زندگی مردم کردستان یکی از آرزوها و خواستههای روز این مردم است. خروج بیدرنگ نیروهای نظامی دولت ترکیه نیز بطریق اولی خواست فوری این مردم است و نیروهای دولت ترکیه باید فوراً کردستان عراق را ترک کنند. ■

همه میافتنند و نیروی نظامی این دولتها را به جان مردم کردستان عراق که در شرایط بسیار سخت اقتصادی و اجتماعی ای بسر میبرند میاندازند. نیروی نظامی دولت ترکیه باید فوراً کردستان عراق را ترک کند. همچنین نیروهای نظامی احزاب ناسیونالیست کرد نیز باید دستشان را از محل کار و زندگی مردم کوتاه کرده و نیروهای خود را از شهرها و شهرکهای کردستان عراق بیرون ببرند. این احزاب با نیروی نظامی خود در جنگ قدرت میان خود و به دستور اربابان مرتجعشان، هر کاری

داده اند و هر بار با توپ باران و کاتیوشا باران خود باعث ویران شدن خانه و کاشانه مردم شهرها و شهرکها و روستاهای کردستان عراق، آواره کردن این مردم و از دست رفتن عزیزان مردم این مناطق شده اند. احزاب ناسیونالیست کرد که بعنوان مهره‌های شطرنج رقابت و کشمکش میان دولتهای ارتجاعی منطقه، رژیم اسلامی و دولت کمالیستی ترکیه و حکومت بعث عراق، عمل میکنند، هر بار با شروع رقابت و کشمکش میان این دولتها، و یا هر وقت مصلحت این دولتهای ارتجاعی ایجاب کند بجان

طبق اظهار نظر روزنامه های ترکیه و منابع دیگر، بیش از ۱۰۰۰۰ نفر از نیروهای نظامی دولت ترکیه به کردستان عراق وارد شد اند و طبق گزارشات رسیده از منابع مختلف اکنون در استان سلیمانیه مستقر شده اند.

این اولین بار نیست که نیروی نظامی دولت ترکیه وارد کردستان عراق میشود، نیروی نظامی دولت ترکیه بارها بدعوت و اسکورت احزاب ناسیونالیست کرد، بویژه پارتی و اکنون اتحادیه میهنی وارد کردستان عراق شده و تانکهای خود را از روی جنازه این مردم عبور

زندانی سیاسی به تعبیر حزب دمکرات کردستان ایران

عبدالله شریفی

حزب دمکرات همان تعریف سران رژیم را از پدیده زندانی سیاسی درست پذیرفته است؟ و چرا "حق گوئی" حزب دمکرات شامل حال کسانی که رژیم آنها را "ضد انقلاب" و "مفسد فی الارض" نامیده است نمیشود؟ آیا این موضع حزب دمکرات باین معنی نیست که این حزب قصد دارد در میدان دو خرداد و زیر عبای خاتمی، بازی کند و فاصله خود را از اپوزیسیون سرنگونی طلب به رژیم اسلامی نشان دهد؟

گذاشته که از جناح "انحصار طلب" شکوه و گلایه کند که چرا "دلسوزترین روشنفکران" و "آزاد مردان زندانی" و محاکمه میشوند. در بخشی از بیانیه آمده است: "کنگره نسبت به محاکمه و زندانی کردن شماری از دلسوزترین نویسندگان و روشنفکران ایران به اتهام حق گوئی یا شرکت در کنفرانس برلین ابراز انزجار نموده و محاکمه و به زندان کشاندن آزادمردانی همچون اکبر گنجی، عبدالله نوری، اشکوری و... و دهها شخصیت سر شناس دیگر.. لکه ننگین دیگری بر پیشانی جمهوری اسلامی است...". واضح است که حتی خادمان دیروز جمهوری اسلامی را نباید بخاطر شرکت در یک

اینها زندانی سیاسی یعنی تعدادی از "اصلاح طلبان اسلامی" و "روشنفکران اسلامی" که تا دیروز در طراحی و معماری این دستگاه توحش و کشتار فعالیت کرده و اکنون مورد "بی‌لطفی" قرار گرفته اند و زندانی شده اند، می‌خواهند خواست آزادی زندانی سیاسی را به آزادی این تعداد محدود کنند و به این شیوه این مطالبه انسانی را مسخ کنند.

در آخرین قافله اپوزیسیون بیرون حاکمیت، حزب دمکرات کردستان ایران را می‌بینیم که لنگان لنگان سعی می‌کند به این "امر مهم" خدمتی کرده باشد. به بیانیه پایانی کنگره ۱۲ حزب دمکرات کردستان ایران نگاهی بیاندازیم. این بیانیه تمام هم خود را بر آن

آزادی زندانیان سیاسی، اکنون خواست میلیونی مردم ایران است. این مطالبه در تظاهرات خیابانی شهرهای ایران، در کارخانه، دانشگاه، مدارس و حتی در تجمعاتی که توسط دولت سازمان داده می‌شود و اوباشان نظامی پاسدار و حزب الله و گله "لباس شخصی" آن را محاصره می‌کنند، فریاد زده میشود.

دوم خردادیهای درون و بیرون حاکمیت اسلامی تمام تلاششان این است که تفسیر خود را از پدیده "زندانی سیاسی" به جای این مطالبه واقعی به خورد مردم بدهند. این روزها بخش زیادی از جدلها و مباحث ژورنالیستهای اسلامی و طیف دگر اندیشان طرفدار دوخرداد بر این موضوع متمرکز شده است؛ از نظر

**به حزب
کمونیست کارگری
ایران
کمک مالی کنید**

مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!



حسین مرادیگی

جنگ میان اتحادیه میهنی و پ.ک.ک. همچنان که گفته ایم ذره ای به مسائل و مشکلات مردم کردستان مربوط نیست. این جنگ در واقع انعکاس رقابت و کشمکش میان دولت‌های ارتجاعی منطقه، اکنون رژیم اسلامی ایران و دولت کمالیستی ترکیه، و بنا به مصلحت روز این احزاب و منافع روز این دولت‌ها انجام میگیرد. پارتی و اتحادیه میهنی بقول یکی از مقامات دولت ترکیه تاکنون فعالیت درخشانی را در مبارزه با تروریستهای پ.ک.ک. انجام داده اند و باید از طرف دولت ترکیه کمک شده و مورد حمایت و پشتیبانی قرار گیرند. پ.ک.ک. نیز که در چند سال اخیر فعالیت "درخشانی" را در خدمت به جمهوری اسلامی انجام داده و اکنون ابزار مناسبی در خدمت به اهداف جمهوری اسلامی در منطقه است، و به این دلیل مورد حمایت و پشتیبانی جمهوری اسلامی است.

بعلاوه ادامه کشمکش بین این احزاب نیز به دخالت مستقیم نیروی نظامی دول ارتجاعی منطقه میانجامد. نیروی نظامی این دولت‌ها برای کمک به نیروی حزب مزدور وارد میدان میشوند و نیروی نظامی احزاب ناسیونالیست کرد تنها نقش پیاده نظام شطرنج را بازی میکنند. جنگ فعلی میان اتحادیه میهنی و پ.ک.ک. نیز عملاً به جنگ میان رژیم اسلامی و دولت ترکیه تبدیل شده است. نیروی نظامی اتحادیه میهنی و پ.ک.ک. تنها تلفات خود

در حاشیه جنگ اتحادیه میهنی و پ.ک.ک.

جمهوری اسلامی در پیش گرفته است، سرانجامی جز تبدیل شدن پ.ک.ک. به مزدور تمام عیار رژیم اسلامی نخواهد داشت.

تا آنجا که به مردم آزادیخواه کردستان مربوط است باید حساب خود را از این احزاب و جریان‌ها ناسیونالیست کرد جدا کرده و آنان را از میان خود بکلی طرد کنند. بویژه جوانان رادیکال و سکولار و مدرن کردستان ایران نباید اجازه دهند که پ.ک.ک. با آن افکار پوسیده و خرافی و عقب مانده و زن ستیز و مردسالار و ضد آزادیهای سیاسی و ضد آزادی بیان و عقیده که عقب ماندگی آن از خلال برنامه های تلویزیون میدیا چه آنجا که به شعر و موسیقی و هنر و ادبیات و حتی لباس و غیره برمیگردد بعینه پیداست، جایی در آن جامعه داشته باشد. باید پ.ک.ک. و سیاستهای ارتجاعی و همکاری او را با جمهوری اسلامی افشاء کنند. آنان را در میان خود راه ندهند، مردم را به طرد پ.ک.ک. از میان خود تشویق کنند و کاری کنند که برای نیروهای این سازمان و جهل و خرافه هیت قومی و سنن و فرهنگ ارتجاعی و عقب مانده، جانی در میان جوانان سکولار و مدرن و رادیکال و چپ و کمونیست کردستان ایران باقی نماند. آنها آینده خود را به آینده سران جنایتکار و مامورین اطلاعاتی رژیم اسلامی که مورد تنفر و انزجار عمیق مردم کردستان گره زده اند. بی شک جز تنفر و انزجار و رسوایی خود در میان مردم کردستان بهره ای نخواهند برد.

امکان داده که در مورد پ.ک.ک. سرمایه گذاری دراز مدت تری را بکند. به این جهت دست این سازمان را در جمع آوری کمک مالی علنی از مردم شهرهای کردستان ایران و گرفتن داوطلبین پیشمرگایهتی (نیروی نظامی بزبان کردی) از میان جوانان شهرهای کردستان باز گذاشته و پ.ک.ک. از طرف نمایندگان کرد در مجلس اسلامی و بعضی از ماموران محلی رژیم از قبیل بهاء ادب و غیره نیز علناً مورد پشتیبانی قرار میگیرد. جمهوری اسلامی میخواهد هم از پ.ک.ک. بعنوان یکی دیگر از مزدوران خود در منطقه استفاده کند، هم اتحادیه میهنی را که اکنون دارد به دولت ترکیه نزدیک میشود ادب کند و هم با آزاد گذاشتن پ.ک.ک. در تبلیغ سنن و خرافه مذهبی و قومی و فرهنگ بغایت عقب مانده، از ناسیونالیسم "بی ضرر و خودی" نوع پ.ک.ک. نیز برای سنگ اندازی سر راه گسترش کمونیسم و رادیکالیسم موجود در جامعه کردستان استفاده کند. در عوض پ.ک.ک. نیز با استفاده از این موقعیت در میان دهها انجمن و تشکل و روزنامه رژیم در کردستان ایران، تبلیغ وسیعی را به نفع جمهوری اسلامی شروع کرده است که روزانه از رادیوی پ.ک.ک. و بخشا از تلویزیون میدیا که مورد حمایت مالی پ.ک.ک. است، پخش میشود. راهی که پ.ک.ک. در همکاری با

ایران خود را در تنگنای سیاسی بیشتری میبیند، دربر بدنبال جلب نظر و پشتیبانی دولت ترکیه است تا این بار خود را تماماً با سیاست آمریکا و ترکیه در جهت اجرای قرار داد واشنگتن و جلب حمایت پارتی (حزب دمکرات کردستان عراق) منطبق نموده و آینده خود را در هماهنگی بیشتر با این بلوک گره بزند. به این خاطر اتحادیه میهنی با گرفتن قول همکاری و دریافت پول و اسلحه از دولت ترکیه، بخاطر جلب حمایت دولت ترکیه و پارتی، با پ.ک.ک. وارد جنگ شده است.

پ.ک.ک. نیز که سازمانی است بشدت عقب مانده، کهنه پرست و در یک کلام ضد زن، ضد کودک، ضد آزادی بیان و عقیده که عده ای از رهبران و فعالینش را مطابق همین سیاست ارتجاعی اعدام کرد و کشت، از خلاء بی آبرویی احزاب پارتی و اتحادیه میهنی و سران آنان در میان مردم کردستان و موقعیت ترکیه در اروپا و بنابراین مساله کرد در سطح جهان، توانست بهره بگیرد و برای خود شهرتی بهم بزند. اکنون با دست کشیدن از استراتژی مبارزه مسلحانه و طلب عفو از جمهوری "دمکراتیک" ترکیه، بجای مبارزه علیه رژیم کمالیستی ترکیه دارد به کمک و پشتیبانی جمهوری اسلامی در منطقه قلدردی میکند.

در ادامه این سیاست، جمهوری اسلامی از همان ابتدا مناطقی را برای زندگی و آموزش نظامی در اختیار پ.ک.ک. گذاشت. بعلاوه عقب ماندگی و ظرفیت بغایت ارتجاعی و کهنه پرستانه پ.ک.ک. و ماهیت زن ستیز و ضد کمونیست و ضد آزادیهای سیاسی این سازمان به جمهوری اسلامی

را می شمارند و ظاهراً هر کدام دیگری را به شروع این جنگ متهم میکنند. هواداران این دو نیرو نیز به تاسی از احزاب مورد علاقه خود هر کدام نیروی دیگر را به شروع جنگ متهم کرده و عوام فریبانه آن را به مساله کرد و مردم کردستان ربط میدهند و چنین وانمود میکنند که طرف مقابل بی تقصیر است و مورد تعرض قرار گرفته است. در حالیکه قضیه کاملاً برعکس است. این احزاب چه اتحادیه میهنی، چه پارتی و چه پ.ک.ک.، تنها خاصیت و ظرفیتشان این است که به عنوان مزدور و دنبالچه سیاست خارجی دولتهای منطقه عمل کنند.

احزاب ناسیونالیست کرد این را تنها راه بقای منافع حزب خود و ادامه قلدردی خود در منطقه علمیه نیروهای چپ و کمونیست و رادیکال و خلاصه علیه آزادی و منافع مردم آزادیخواه کردستان، به بهانه مساله کرد، میدانند و تاکنون هم به یمن این سیاست و به یمن سیاست سرکوب دولتهای دیکتاتور و ارتجاعی منطقه علیه مردم کردستان، بقای ننگین خود را حفظ کرده اند. وگرنه این احزاب بمحض وزیدن باد آزادی و کاهش هر درجه فشار دولتهای دیکتاتور و سرکوبگر و رها شدن مردم و نیروهای چپ و کمونیست از زیر فشار اختناق، به سرعت به حاشیه میروند و جریان‌ها کمونیست و چپ و رادیکال میدان دار سیاست در جامعه کردستان میشوند. نمونه آن را در کردستان ایران در جریان انقلاب ۵۷ و سالهای بعد از آن شاهد بودیم.

اتحادیه میهنی که مدتهاست در بحران سیاسی بسر میبرد و اکنون با ادامه مزدوری صرف خود به رژیم اسلامی

کمیته کردستان

رحمان حسین زاده، دبیر کمیته ۸۳۷ ۸۵۵ ۷۳۹ ۰۰۴۶

Fax: 0044 870 133 7209

Email: r_hoseinzadeh@yahoo.com